

ورود ارز به صورت اسکناس و طلا به داخل کشور مجاز شد

براساس بخش نامه‌ای که از سوی گمرک جمهوری اسلامی ایران به گمرکات سراسر کشور ابلاغ شده، ورود ارز به صورت اسکناس به داخل کشور بدون محدودیت و مطابق مقررات بانک مرکزی و مقررات مبارزه با پولشویی مجاز است. به گزارش «مهر»، واردات طلا (ساخته شده) نیز بدون محدودیت با اخذ مجوز از بانک مرکزی و رعایت انجام تشریفات گمرکی و پرداخت حقوق ورودی و مالیات بر ارزش افزوده و سایر وجوه متعلقه مجاز است. همچنین واردات طلای خام (شمش استاندارد) با اخذ مجوز از بانک مرکزی و رعایت تشریفات گمرکی و رعایت سایر مقررات از پرداخت حقوق، عوارض قانونی و مالیات بر ارزش افزوده معاف شده است.

یکشنبه ● یک مهر ۱۳۹۷ ● شماره صد و هفتاد

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲

شکاف قیمتی بازار ثانویه و آزاد ارز و تبعات ناشی از آن، مشکلات زیادی را برای تامین مواد اولیه تولید ایجاد کرده است

سرگردانی ارز میان دو بازار



فاصله قیمتی بازار آزاد و بازار ثانویه که به گفته برخی از کارشناسان نشان از پشت پرده‌های رانت، همچنین دخالت‌های غیرکارشناسی دارد، و سوسه عرضه ارز حاصل از صادرات در بازار آزاد را که در مقطع کنونی با وجود تلاش‌های صورت گرفته توسط دولت همچنان بازاری پُرتوقع به‌شمار می‌رود، بالا برده است و برخی کارشناسان فرایند عرضه ارز را در بازار ثانویه شفاف نمی‌دانند و معتقدند سایه رانت بر این بازار سنگینی می‌کند.

ره‌اندازی بازار ثانویه و موافقت رئیس کل جدید بانک مرکزی با تقویت آن، در حالی انجام شده که روند عرضه و تقاضا در این بازار و چرخه معاملات آن، همچنان نشان از بهبود شرایط در بازار ارز ندارد. به گفته فعالان اقتصادی، جدا از فاصله قیمتی ارز بازار آزاد با بازار ثانویه که خود به رانت دامن می‌زند، کندی برخی از گروه‌ها از جمله پتروشیمی‌ها – که بیشترین ارز صادراتی را در اختیار دارند – در عرضه ارز نیز بر بار مشکلات افزوده است. بر همین اساس، سیاست جدید ارزی نیز از این منظر که ارز را چند نرخی کرده، مورد انتقاد بسیاری از طیف‌های فعال در اقتصاد است. با این حال، همین منتقدان نیز راهکار حل مشکلات فعلی را نه تدوین بسته‌های جدید که اخیراً برخی از مسئولان به‌ویژه وزیر صنعت، معدن و تجارت صحبت آن را کرده‌اند، بلکه شفاف‌سازی بیشتر و عدم دخالت دولت اعلام می‌کنند. اما چه زمانی شفاف‌سازی در بازار ارز ایجاد می‌شود؟ اگر بپذیریم یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد رانت، نرخ‌گذاری‌های دستوری است، در بازاری که دولت به‌عنوان مهم‌ترین مداخله‌گر وارد می‌شود و از سوی دیگر به‌عنوان یک ذی‌نفع از بازار ارز سود می‌برد، عملاً شفافیت حاصل نخواهد شد و مینه‌های ایجاد رانت از بین نخواهد رفت. بر همین اساس، توجیه کارشناسان برای عدم دخالت دولت در نرخ‌گذاری ارز، جلوگیری از احتمال شکل‌گیری رانت‌هایی است که طی این نرخ‌گذاری‌ها ممکن است برای مجموعه‌هایی چون پتروشیمی‌ها ایجاد شود. البته باید در نظر داشت که رهاسازی بازار ارز، موجد مشکلاتی چند بوده است که از جمله آن، هجوم نقدینگی سرگردان به خریدوفروش ارز، افزایش فعالیت‌های واسطه‌گری در بازار بین مالکان عمده ارز، همچنین گران‌فروشی و سودجویی از آشفته بازار کنونی است.

شرایط بازار ثانویه ارز اکنون به‌گونه‌ای است که بسیاری از تولیدکنندگان هنوز موفق به دریافت ارز برای واردات مواد اولیه مورد نیاز خود نشده‌اند و از طرفی فروشندگان ارز نیز طبق آنچه بعضاً خود اعلام می‌کنند، در برخی موارد با وجود آمادگی برای عرضه حواله‌های ارزی، تقاضایی برای خرید ارز نمی‌بینند. فعالان اقتصادی، اعطای مجوزهای بیشتر به صرافی‌ها برای خریدوفروش ارز را عامل مهمی در بهبود وضعیت معاملات بازار ارز می‌دانند. شاید از این منظر، عرضه محدود ارز در بازار آزاد را بتوان توجیه کرد، اما باید دانست خود صرافی‌ها نیز تاکنون عملکرد خوبی در جریان معاملات ارزی نداشته‌اند و سهم نه چندان کمی از افزایش نرخ ارز در این بازار



به فعالیت‌های آن‌ها نسبت داده می‌شود.

■ منافع دخالت دولت در بازار ارز

فرشید شکرخدایی، عضو اتاق بازرگانی ایران در این خصوص به «آتی‌نو»، توضیح می‌دهد: «اندک نگاهی به شیوه تدوین سیاست‌های ارزی طی این چند ماه، نشان می‌دهد به‌رغم ایراداتی که بخش خصوصی و فعالان اقتصادی در باب ارز به دولت گرفته‌اند، اما در نهایت آنچه بر بازار مستولی شده رای و عقیده دولتی‌ها بوده است. برخی برآوردها حاکی از آن است که دولت از مابه‌التفاوت نرخ ارز در بازار با آنچه در بودجه پیش‌بینی شده بود، درآمد‌های مازادی به دست آورده که می‌تواند علاوه بر جبران کسری بودجه، کل بدهی‌های دولتی به بانک‌ها، همچنین صندوق‌های بازنشستگی را پوشش دهد. به عبارتی اگرچه برخی از سیاست‌ها به نام فعالان بخش خصوصی اجرا شد، اما در عمل سود کلانی عاید گروه‌های خاص به‌ویژه برخی گروه‌های وابسته به دولت کرد. در خصوص بازار ارز نیز در شرایط فعلی، دست صرافی‌ها همچنان برای انجام برخی از معاملات بسته است و صرافان از پیامدهای ورود به معاملات ارزی طبق تجربه‌های قبلی، در هراس هستند.»

وی با اشاره به اینکه از طریق ارز چندنرخی نمی‌توان به آینده بازار و دسترسی به‌موقع تولیدکنندگان واقعی به ارز امیدوار بود، ادامه می‌دهد: «پیامد ارز چندنرخی که در حال حاضر در بازار ثانویه حدوداً هشت هزار تومان، در صرافی‌ها ۱۲ هزار تومان

و برای گروه کالای اساسی ۴۲۰۰ تومان است، رانت، تاخیر در تامین ارز و همچنین سوءاستفاده‌های دیگر است. همین امر باعث شده در حالی که بخش بزرگی از متقاضیان ارزی، متقاضیان کاذب باشند، برخی از عرضه‌کنندگان ارز نیز رغبتی به عرضه به‌موقع ارز در بازار ثانویه نداشته باشند و با تاخیر در عرضه به افزایش نرخ دامن بزنند.»

■ وضعیت مبهم بازار ثانویه

مهدی پورقاضی، عضو اتاق بازرگانی و فعال اقتصادی در این مورد با اشاره به اقدامات انجام‌شده در خصوص بازار ثانویه، و به طور کلی بازار ارز به «آتی‌نو» توضیح می‌دهد: «وضعیت فعلی بازار ثانویه که حاکی از سردرگمی تولیدکنندگان، واردکنندگان و حتی برخی از صادرکنندگان است، نشان می‌دهد، اهداف اولیه از تأسیس این بازار نه تنها محقق نشده، بلکه تولیدکنندگان هنوز به ارز مورد نیاز دسترسی ندارند. برای مثال، زمانی که تولیدکننده متقاضی ارز است، عرضه‌ای وجود ندارد و وقتی هم که عرضه‌ای هست، خریداری نیست،

بنابراین آنچه بیش از افزایش نرخ ارز برای تولیدکنندگان چالش‌برانگیز شده، بی‌نظمی معاملات ارز در این بازار است که باید گفت به دلیل دخالت در بازار رخ داده است. پیش از این، عمده بهره‌مندان از ارز ارزان دولتی، رانت‌خواران بودند که حالا نیز سهم بزرگی از سود عرضه در بازار ثانویه دارند.» وی با بیان اینکه بازار ثانویه هنوز شفافیت لازم را پیدا نکرده است و فاصله قیمتی ارز –این بازار با صرافی‌ها نیز حاکی از همین



کتیو | ۰۳



عدم شفافیت است، ادامه می‌دهد: «اگر از زاویه مثبت نگاه کنیم با توجه به حجم زیاد ارزهای صادراتی، اقتصاد ما چالش چندانی برای عرضه ارز و تامین نیاز بازار ندارد، اما چه می‌شود که از میان کل صادرات کشور که بالای ۸۰ درصد آن متعلق به بخش دولتی و شبه‌دولتی است، بخش خصوصی مورد مواخذه قرار می‌گیرد؟ به نظر می‌رسد از کل همه سیاست‌هایی که دولت در رابطه با بازار ارز اتخاذ کرده، نه بخش خصوصی، بلکه شبه‌دولتی‌ها و گروه‌های وابسته به دولت سود برده‌اند. هیچ‌یک از تولیدکنندگان در سایه سیاست‌های ارزی، موفق نبوده‌اند. بلکه دستاورد سیاست‌های ارزی طی این مدت، تعطیلی بنگاه‌ها، تاخیر در تامین مواد اولیه، همچنین کندی در تامین نیاز بازار و تقاضای بی‌رویه است.

همچنین باید اضافه کرد که دخالت‌های دولت در بازار ارز در حالی است که نظارت‌ها و کنترل لازم بر بازار ثانویه به‌منظور تزریق کافی و به‌موقع ارز صورت نمی‌گیرد.»

■ محدودیت‌های عرضه ارز در صرافی‌ها

پورقاضی با اشاره به محدودیت عرضه ارز توسط صرافی‌ها نیز، ادامه می‌دهد: «فاصله قیمتی بازار آزاد با بازار ثانویه نشان می‌دهد ارز تحت‌تاثیر فعالیت‌های دلالت‌ه نوسان دارد و این نوسان حاکی از عدم شفافیت بازار است. از طرفی صرافی‌ها عرضه محدودی دارند و این به افزایش قیمت دامن می‌زند و ضمناً قیمت واقعی ارز در بازار ثانویه، نرخی که در حال حاضر می‌بینیم نیست. پس آنچه بر بازار حاکم است، نه حاصل مکانیزم عرضه و تقاضا بلکه نشأت گرفته از برخی دستورات‌عمل‌های دولتی است که طبیعتاً نرخ ارز را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد.»

وی افزود: «فاصله نرخ ارز در بازار آزاد و بازار ثانویه باید تفاوت حداکثر یک یا دو درصد را حفظ کند در حالی که به دلیل تفاوتی که بین دو طیف تقاضا در بازار ثانویه و بازار آزاد وجود دارد، نرخ‌ها نیز تحت‌تاثیر قرار می‌گیرد. منظور از این دو طیف تقاضا، تقاضایی است که از سوی صاحبان دلارهای خانگی، مردم و دلالتان در بازار آزاد شکل گرفته و دیگری تقاضایی است که از سوی تولیدکنندگان در بازار ثانویه وجود دارد. دولت تأمین ارز تولیدکنندگان را به بازار ثانویه محول کرده در حالی که تولیدکنندگان قادر به پرداخت نرخ‌های بالا بابت تأمین ارز نیستند. انتظارات تورمی همواره بازار آزاد، همچنین جریان معاملات ارزی را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. در صورتی که موج این انتظارات در جامعه فروکش کند، می‌شود به کاهش فاصله نرخ ارز در بازار ثانویه و بازار آزاد امیدوار بود. تحریم‌ها و همچنین محدودیت‌هایی که صرافان در تأمین ارز دارند نیز به این فاصله قیمتی به دلیل افزایش جو منفی حاصل از تورم، دامن زده است.» پورقاضی در پایان گفت: «هدف مهم از راه‌اندازی بازار ثانویه توسط دولت، تأمین ارز مورد نیاز واردکنندگان و تولیدکنندگانی بود که با سیاست جدید ارزی از دریافت ارز ۴۲۰۰ تومانی محروم شده بودند، اما اگرچه در ابتدای راه‌اندازی بازار همان طور که علائم نیز نشان می‌داد، همگی منتظر کاهش نرخ دلار در بازار آزاد بودند، اما بازار ثانویه با سازوکار فعلی از انجام ماموریت‌هایی که به آن محول شده، ناتوان است.»

یادداشت

● **وحید شقاقی** ●

ظرفیت ۳۰ میلیارد دلاری تقاضا در بازار آزاد

در حال حاضر بین نرخ ارز در بازار آزاد و بازار ثانویه چیزی حدود شش هزار تومان فاصله است و این تفاوت فاحش صدرصد به رانت منجر می‌شود.

دلیل مهم تفاوت نرخ ارز در این دو بازار عدم شفافیت مطلق است که در بازار آزاد وجود دارد، در حالی که بازار ثانویه از حداقل شفافیت برخوردار است و می‌توان گفت فرایند معاملات بین صادرکننده و واردکننده روشن است. به عبارتی در بازار ثانویه به دلیل وجود شفافیت، امکان افزایش نرخ ارز نیست و هر دو طرف معامله، ارز، تمایلی به افزایش نرخ ندارند و اگر عرضه‌کننده تمایل به افزایش داشته باشد مقررات حاکم بر بازار از افزایش نرخ جلوگیری می‌کند، این در حالی است که عمق بازار ثانویه کم و نسبت به نیازهای ارزی کشور محدود است، بررسی‌ها نشان می‌دهد تا شش ماهه اول سال، صادرکنندگان پتروشیمی حدود دو و نیم میلیون دلار ارز به بازار تزریق کرده‌اند در حالی که کل صادرات آن‌ها در سال گذشته چیزی حدود ۱۵ میلیارد دلار بوده است اگر این میزان نصف شود در شش ماهه اول امسال، حداقل باید ۷ یا ۷ میلیارد دلار ارز توسط پتروشیمی‌ها به بازار ثانویه تزریق می‌شد.

اما تزریق دو و نیم میلیارد دلار، نشان از عدم تزریق و کوتاهی در عرضه کافی ارز دارد، یعنی صادرکنندگان تمایل دارند تا حد امکان تزریق دلار به بازار را به تعویق بیندازند و در بازار آزاد بفروشند. به بیانی دیگر صادرکنندگان تمایل به عرضه پایین ارز در بازار ثانویه و عرضه بیشتر آن در بازارهای غیرشفاف هستند به همین دلیل کم‌اظهاری می‌کنند. از طرفی از آنجایی که واردکنندگان اصلی تمایلی به خرید دلار بالای ۸ هزار تومانی –که تقاضای مصرفی در بازار برای آن وجود ندارد– ندارند، این نرخ همواره در بازار ثانویه کمتر از بازار آزاد باقی می‌ماند. واردکننده رسمی می‌داند با دلار بالای ۸ هزار تومان واردات به‌صرفه نیست و کسی خریدار محصول وارداتی آن‌ها نخواهد بود. به همین

دلیل نرخ دلار از این میزان بیشتر نمی‌شود. متأسفانه در شرایط فعلی بازار آزاد به شدت غیرشفاف است. سوداگری به دلیل حجم نقدینگی افزایش پیدا کرده است و از طرفی واردات غیررسمی و قاچاق از این بازار تأمین می‌شود. به همین دلیل یک ظرفیت تقاضای بیش از ۳۰ میلیارد دلاری در بازار آزاد وجود دارد. اگر کل قاچاق سال گذشته را چیزی حدود ۱۲ تا ۲۰ میلیارد دلار در نظر بگیریم تقریباً حدود ۱۲ تا ۲۰ میلیارد دلار برای قاچاق از این بازار تأمین می‌شود که به اضافه ۸ میلیارد دلار برای سوداگری و تقاضای سفرهای خارجی نزدیک به ۳۰ میلیارد دلار می‌شود. بنابراین این عدد بسیار بزرگ‌تر از آن چیزی است که دولت‌مردان م‌اتصور می‌کردند.

به طور کلی واردات رسمی ما حدود ۵۵ میلیارد دلار است، بنابراین با فرض اینکه این میزان از بازار ثانویه تأمین شود، باز چیزی حدود ۳۰ میلیارد دلار از بازار آزاد تأمین می‌شود. در نتیجه بخش بزرگی از التهاب بازار ثانویه، ریشه در بازار آزاد دارد که بزرگ است و غیرشفاف. با این حساب باید گفت رانت ارزی دوباره شکل خواهد گرفت و تمایل به خرید ارز و فروش آن در بازار آزاد با توجه به اختلاف ۶ هزار تومانی قیمت این دو بازار، به وجود می‌آید. همچنین ارز سه نرخی حاصل این وضعیت است. در شرایط حاضر، کارآمد کردن و ایجاد شفافیت در بازار آزاد پیش‌شرط مهم کنترل سودجویی‌ها از فاصله قیمت‌ها در بازارهای ارزی است.

کارشناس اقتصادی



و به فاصله هرچه بیشتر این دو بازار منجر می‌شود. نکته مهم دیگر که چالش اساسی برای بازار ثانویه به‌شمار می‌رود اینکه افزایش عرضه ارز به بازار ثانویه توسط پتروشیمی‌ها که بیشترین سهم ارزآوری را در شرایط موجود دارند، به احتمال فراوان تأثیر چندانی بر قیمت ارز در بازار آزاد ندارد. علت این امر این است که ارز حاصل از صادرات پتروشیمی قابل انتقال به‌صورت نقد و اسکناس به داخل نیست و تنها به شکل حواله در اختیار واردکنندگان قرار می‌گیرد. بر این اساس، حتی الزام پتروشیمی‌ها به افزایش عرضه ارز در بازار ثانویه نیز نمی‌تواند قیمت ارز –ارز به‌صورت نقد و اسکناس – را کاهش دهد و این عرصه کماکان در اختیار دو بازیگر اصلی ارز، یعنی واسطه‌ها و دلال‌ها و بانک مرکزی خواهد بود.

رئیس کمیسیون انرژی اتاق تهران

نرخ ارز و افزایش تمایل به صادرات، بخشی از دارایی‌های ارزی صادرکنندگان نیز صرف اموری مثل صادرات مجدد یا نگهداری از ارز با عرضه گران‌قیمت در بازارهای غیررسمی می‌شود. در چنین شرایطی عدم نظارت یا کنترل دولت بر میزان این عرضه و عدم التزام به عرضه ارز، کوتاهی خیلی از صادرکنندگان غیرنفتی که یک‌مورد مهم آن پتروشیمی‌هاست را در پی دارد. در این شرایط نه عرضه با تقاضا هماهنگ است و نه تقاضا با عرضه، بنابراین مهم‌ترین عاملی که در حال حاضر باعث اختلاف قیمت دلار در بازار آزاد و ثانویه است، جذابیت معامله ارز، همچنین سود عرضه غیرشفاف آن یا نگهداری آن در شرایطی است که در افق پیش‌رو، تحریم‌ها تشدید می‌شود و محدودیت ذخایر ارزی به بالا رفتن نرخ ارز منتهی می‌شود. یعنی بخشی از عرضه‌کنندگان منتظر شرایط تحریمی هستند

تا در آن برهه ارز را به بالاترین قیمت ممکن عرضه کنند. در صورتی که تحریم‌ها بر افزایش نرخ ارز تأثیرگذار باشد –که طبق شواهد موجود هست– جذابیت فروش ارز در بازار آزاد از آنچه امروز مشاهده می‌کنیم، بالاتر می‌رود. اگر بین بازار آزاد تفاوت چندانی به لحاظ قیمتی نباشد، شاید بتوان امیدوار به عرضه ارز در بازار ثانویه بود، وگرنه بخش بزرگی از ارز صادرکنندگان در بازار آزاد خریدوفروش می‌شود. طبیعتاً در این شرایط الزام صادرکنندگان به بازگشت ارز، همچنین تدوین قوانینی که در این خصوص جلو سودجویی‌ها را بگیرد، می‌تواند به افزایش عرضه ارز در بازار ثانویه و به‌بدن آن، کاهش فاصله قیمتی آن با بازار آزاد منتهی شود. در غیر این صورت با این روند فعلی و تداوم آن، افزایش نرخ ارز، مسیر عرضه ارز را در بازار ثانویه کندتر کرده



افزایش نرخ ارز شرایط خاصی را برای صادرکنندگان به وجود می‌آورد و با توجه به ارزش چندبرابری دلار نسبت به سال گذشته، آن‌ها را تمایل به نگهداری ارز با عرضه آن در بازار آزاد می‌کند. با افزایش قیمت‌ها و التهای که در بازار رخ داده است، جذابیت فروش ارز با نرخ‌های بالا، افزایش یافته و درصد کمی از تولیدکنندگانی که امکان صادرات دارند به تأمین نیاز صنایع پایین دستی و بازار داخلی می‌انديشند. شاید تحت‌تاثیر همین موضوع هم باشد که خیلی از تولیدکنندگانی که پیش از این بر بازار داخلی متمرکز بودند به صادرات فکر می‌کنند نه نیاز بازار داخلی و تأمین ارز مورد نیاز آن. بنابراین با توجه به افزایش